

بسمه تعالی

خودشناسی دکتر غفرانی

جلسه چهارم

مروری در مطالبی که جلسه گذشته عرض کردیم اول ضرورت خودشناسی عرض شد خودشناسی مبنای هر گونه رفتار اجتماعی سیاسی اقتصادی نظامی است . هر گونه خودشناسی ما دقیق تر درست تر باشد رفتارهای اجتماعی ما زیباتر منطقی تر روشنتر است

دوم گفتیم خودشناسی یعنی چه ؟ درباره آن توضیح دادیم آیا خودشناسی ممکن است قرآن می گوید : بله اما چون انسان بزرگترین آیت خداست این امر ممکن بسیار پیچیده و ظریف و عمیق و سخت است کاری ساده نیست سریعاً به جواب برسیم .

مشخصاً سه چیز را می شناسیم ۱- حواسمان را و اینکه حواس ما فقط مادیات را ادراک می کند و مادیات را هم محدود ادراک می کند مثل رنگ حواس ما اشیای منفصل را متصل می بیند و هستی یک پارچه متصل را منفصل

بنابراین دانشی که از این طریق ما کسب می کنیم نقص مطلق داره نسبت به ماورای ماده دانش اکتسابی خطا داره و همراه با دروغ و شرک است از وجود و حق و حقیقت چیزی را نمی فهمد مادیات را نمی فهمد و نقص نسبی دارد .

فعالیت‌های که اندام ما دارد همه گفتار ها و رفتارهایی که از ما سر می زند رفع نیازهایمان همگی توسط مغز و ذهن و ضمیر ناخودآگاه ما اداره می شود .

نیازهای جسمی و جنسی و عاطفی و امکانات مادی و معنوی و توانائیهای خود و خطرات و نقش و مدیریت و تکالیف خود را بفهمم اگر خودم را بشناسم به سلامت دنیوی سعادت اخروی و فلاح و رستگاری و بالاتر از همه به رضایت و سایه خدا می رسم و به لقاء خدا می رسم . ثمره دیگر لذت پایدار از لحظه به لحظه زندگیم می برم و وقتی زندگی در مسیر درست حرکت کنم هر لحظه اش برای انسان سرشار از لذت پایدار است می توانم مسائل خود را حل کنم می توانم موانع را از سر مشکلات بردارم زندگیم شیرین شود می توانم از موانع عبور کنم هیچ جا گیر نمی کنم سریع حل می شوم در خیلی از چیزها رد می شوم افتخار ذاکر بودن را پیدا می کنم توجه قلبی پیدا می کنم بنابراین می شوم و جیها عندالله و دیگه هیچ چیز نمی تواند قامت قیامتی مرا از بین ببرد استقامت و مقاومت و قیام مرا بر صراط حق هیچکس از بین ببرد.

انسان چهار منشاء رفتاری دارد یا عقل یا دل یا شکم یا شهوت

این قلب را جایش را عوض کردیم گذاشتیم دل مرکز احساساتمون اگر عقل حاکمیت داشته باشد بر عواطفان بر شکم و شهوت که می شوند غریزه اگر حاکمیت داشته باشم من قیام دارم و هر کار بکنم در مسیر تعالی و تکالم هر کار بکنم خوردنم عبادت خوابیدنم ازدواجم به آسمان و زمین نگاه کنیم عبادت است نفس کشیدنم عبادت ولی اگر وارونه بشوید و غریزه او بر فطرتش غالب شود و اما بحث جدیدی که امروز می خواهم بگویم یکی از توانائیها و دارائی های ما الان اینجا نشستیم اطلاعات و علم ماست سوال من و شمائی که از اعلاء علیین به اسفل سافلین امدم ایا علم ندارم در لحظه تولد سه احتمال مواجه ام یا همه چیز می دانم یا کم دارم یا خالی ذهن بوجود آمدم یا بعضیها را می دانم و بعضیها را نمی دانم یا همه چیز را می دانم .

اگر خالی ذهن بدنیا آمده بودم خداوند مقدمات هدایت را فراهم نکرده و اگر به تعلیمات خوب نرسم در ذهنم غلط حک بشود در بازخواست روز قیامت مسئولیتی نخواهم داشت اگر خداوند کمی را گفته و کمی را نگفته پس اسباب هدایت ناقص بوده و اگر نتوانم کامل آنرا یاد بگیرم پس نباید بازخواست بشوم . اگر انسان تابع علم معلم بود علم ابوعلی سینا بیشتر از معلمش نمی شد. چرا وقتی معلم چیزی را می گوید ما تایید می کنیم ؟ زیرا ما می دانیم اگر من با علم تمام بدنیا آمده باشم و به آن رجوع نکنم این دلیل نداشتن علم من نیست باید آنرا فعال کنم باید از درون بیدار شوم علم برای اینکه فعال شود نیاز به نور دارد پس من همیشه مسئولم .

از زمانی که بفهمیم مکلفیم حد نصاب سن تکلیف برای دختر ۹ سال و پسر ۱۵ سال فهم است که تکلیف می آورد من باید عاقلانه به علم رجوع کنم.

پیامبر می فرمایند به آن چیزی که می دانید عمل کنید تا خداوند آن چیزی را که نمی دانید به شما بیاموزد .

در شب اول به پیامبر در غار حرا ۵ آیه نازل شد شما با قلم تعلیم شدید

خداوند می فرماید به شما آموختیم آنچه را نمی دانستید شما مذکرید هر چه فساد است کسب کردنی است ما همه چی داریم خلیفه الله هستیم و خداوند می فرماید

فتبارک الله احسن الخالقین

زندگی هر چه سخت تر شما شکوفا ترید درکبد است که انسانیت شما شکوفا می شود. ما باید مثل خودمان بشویم آن چیزی که خدا از ما خواسته

ما خودمان را گم کردیم تمام علم از ایران منتشر شده و پیامبران ما علم را منتشر کردند یا ایها الناس اگر برای آخرت ریب دارید شما باید بالغ تر شوید تا به جایی برسید الهی حبل لی کمالی الانقطاع

در سوره الرحمن خدا به پیامبر می فرماید قرائت تو در جهت رب باشد اگر در هر شرائطی باشی باید در جهت رب خود باشی تا عبد شوی .

با کشف عقلانی مختصات خود را از قران پیدا کنید

۱ من کیستم ؟ من انسانم ؟ من بشرم ؟ من اشرف مخلوقاتم یعنی چه ؟ من چی نیستم ؟ شما عبث هستی ؟ بیهوده ای ؟ پوچی ؟ بلا تکلیفی ؟ آزادی ؟ رهایی ؟

۲ لاتکن عبدا غیرک

عبد غیر از خودت نباش عبد عقلت باش نه نفست ما دو تا خود داریم :

۱- خود عقلانی ۲- خود نفسانی

وقتی ما حدود و حقوق را رعایت کنیم می شویم عبد و وقتی من من را رعایت می کردم می شویم اسیر

دارائیهای ما چیست ؟ علم داریم من چی ندارم ؟ ما فقر ذاتی داریم نسبت به خدا همه چیز ما از اوست از کجا آمده م ؟ از کجا هستم ؟ چرا اینجام ؟ از منظر عقل کار و فعالیت و ذهن و مغز انسان فقط بر مبنای ادراک جزئی است بنابراین بدیهیات نمی تواند کار ذهن باشد علم حضوری ما نمی تواند اصولی باشد درک ما از خدا براساس جزئیات نبوده درک ما از بدیهیات

ما نمی توانیم هم باشیم و هم نباشیم همه انسانها در موقع سختی خدا را می طلبد این ثابت می کند که مایک بعد روحانی و معنوی داریم

روش دوم : در دعا بفهمید که کی هستید؟

روش سوم : کتابهای معرفت نفس حسن زاده آملی و انسان شناسی آقای حائری و خودشناسی مصباح یزدی .

آئین زندگی انسان با توجه به طبیعت خود ضد قانون است انسان طبیعتش خود کاهنه ات خود خواه و مستکبر است اگر از مجموعه چنین افرادی حکومتی پدید آید و یا جامعه ای تشکیل شود آن جامعه و آن حکومت خونخوار جهانخوار ادمخوار زمین خوار می شوند این قماش افراد که ما را انسانهای طبیعی می نامیم اگر بر مقدرات یک جامعه حاکم شوند آن جامعه را به فساد و تباهی می کشند

یفسد فی الارض یسفک دما

زیرا این اقتضای طبیعت بشر است اما همین انسان بر اساس فطرت خویش کنجکاو و جستجوگر و خواهان راستی تشنه حقیقت و امنیت و مروت و انسانیت و از سیاهی و ستم گریزان و بیزار است و اگر به کسی ستم رسد از خود بیزار می شود می خواهد خود را تنبیه کند و به قدرتی ره می سپارد که او را تنبیه کند و بالاتر حتی او را از میان بردارد اینگونه افراد در جامعه کم نبوده اند پس طبیعت اگر نباشد فطرت درخشش خود را نمی یابد

چهارمین روش کتابهای دعای تحف العقول صحیفه سجادیه مصباح الشریعه می توانند برای خودشناسی کتابهای خوبی باشند.

پنجمین روش از قرآن خود را بشناسید